

# حقیقت

شماره ۲۰۵-۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹

پیاد  
پیشمرگه قهرمان  
نادر خدا مراد پور  
صفحه ۸

## درود بر سندج قهرمان

سندج هفته قبل رازیر  
آتش رنگبار خیمه‌ها را کت ارتش  
گذراند. توپخانه ارتش از چند  
رو شهر را زیر آتش بمباران گرفته  
وهلی کوپترهای توپدارومجهز  
به راکت نیز به کمک جت‌های  
نیروی هوایی با راکت و توپ و  
بمب‌های آتش‌زا و خوشه‌ای شهر  
مقاوم قهرمان سندج را در هم  
کوبیدند. هفته قبل، چون هفته

های گذشته با مقاومت قهرمانانه  
وتوده‌ای خویش، حماسه‌ای  
آفریدند که در تاریخ مبارزات  
مردم کشور ما همیشه خواهد درخشید.  
محاصره اقتصادی شهر از همه سو به  
قوت ادامه داشت و نیروهای  
ارتش و پاسداران از وسایل غذا،  
دارو و نفت و پوشاک به شهر جلو  
گیری کرده، به همراه آتش توپخانه  
(بقیه در صفحه ۳)

## گشمکش و وحدت در هیئت حاکمه

چند روزی است که تیتسر میکند.  
اول بسیاری از روزنامه‌های  
خبری اختصاصی در اردبیل انتخاب  
نخست وزیر جدید از طرف رئیس  
جمهور، بنی صدر، در چند روز  
گذشته روزنامه‌ها مرتباً اعلام  
کرده اند که "نخست وزیر امشب  
انتخاب و معرفی می‌شود" ولی  
خبری از آن نشد!! بنظر می-  
رسد که انتخاب فوری نخست-  
وزیر از دید بنی صدر، حلقه -  
ایست در "تشبیت" قدرت  
ریاست جمهوری و "انسجام"  
اوضاع حاکم بر جامعه، و به  
همین خاطر هم سخت در پی آن  
است، ولی "مشکلات" زیادی  
در مقابل پایش قرار داده که  
جناب ایشان را با وجود  
تا شیدیه آیت اله خمینی در  
پیش برد این مسأله متوقف

## هشدار: در مورد طرح ارضی جدید 'شورای انقلاب'

● اعلام طرح اخیر اصلاحات ارضی شورای انقلاب به  
طور مبهم و بدون اعلام جزئیات آن و همچنین شواهد  
هفته‌های اخیر بنظر ما حکایت بر آن دارد که کودتای ارجانب  
شورای انقلاب بر علیه جنبش دهقانی ما صورت گرفته است

را بهمهده گرفته است که عبارت از  
حاکم شرع و یا نماینده اش، نشده و مدتی است که مخفی نگاه  
نمایندگان جهاد سازندگی، داشته میشود. ولی همان ترکیب  
وزارت کشاورزی، وزارت کشور اعلام شده برای ستاد پنج نفری  
و وزارت دادگستری. با توجه به آرایش نیروهای طبقه-  
ارتباط این طرح با طرح تی در ارگانهای دولتی نشان  
تمویب شده قبلی در اسفند ماه میدهد که حاکمان و طرفداران  
که معروف به طرح رضا صفهانی مصادره زمین‌های فئودال‌ها و  
بودن نیز روشن نشده است. چه جز-  
(بقیه در صفحه ۶)

هفته پیش شورای انقلاب  
اعلام نمود که طرحی برای اصلاحات  
ارضی تصویب شد. از مفاد این  
طرح هیچ نوع اطلاعاتی داده  
نشد، مگر آنکه یک ستاده نفری  
رسیدگی بر اجرای اصلاحات ارضی

## این زندانیان سیاسی را آزاد کنید

احکام اخیر "دادگاه  
انقلاب اسلامی خوزستان" همان  
بیدادگانی که رفقای شهید  
احمد مؤذن و مسعود دانیالی  
را به اعدام محکوم کرد، بی-  
درنگ با بد لغو سردمداران  
این بیدادگاه، یعنی افرادی  
چون جنتی با ید دستگیر و مجرم  
خیانت به انقلاب و سرکوب مبار-  
زات مردم، شکنجه و آزار میا-  
رزمین و صدور حکم اعدام مؤذن و  
(بقیه در صفحه ۴)

### در این شماره

- بمناسبت چهل و شهادت رفیق تقریبی صفحه ۱۲
- جاودان با دیا در رفیق شهید مسعود دانیالی صفحه ۱۲
- گزارشی از مبارزه ضد امپریالیستی
- کارگران شرکت فلورا صفهان صفحه ۱۲

ها شمی رفسنجانی، یکی از رهبران حزب جمهوری اسلامی به صراحت میگوید: "...مشکل میدانم که این روزها نخست وزیر تعیینی بشود... علت اینست که تا ریخ تشکیل مجلس نزدیک است و هر

## کشمکش و 'وحدت' در هیأت حاکمه بقیه از صفحه اول

می رسد که در مرتعیین نخست وزیر از جانب رئیس جمهور مشکلی وجود دارد که میدان عمل آزاد را از وی گرفته است. حال رئیس جمهور تا چه حد بتواند این قید و بندهای سیاسی را کنار گذاشته و آزادانه عمل کند یا بد منتظر فردا و روزهای بعد بود؟ سئوال لاتی در این مورد به ذهن می آید: مشکل بنی صدر در انتخاب آزادانه "نخست وزیر چیست؟" و مهم تر از آن چرا و به چه دلیل بنی صدر میخواهد بدین سرعت نخست وزیر را انتخاب کند، با توجه به اینکه مجلس بزودی منعقد خواهد شد و با صلاح مسئولین امر "کارها بر روال عادی و قانونی" خواهد افتاد؟

آن چیزی که به وضوح خود را نشان میدهد اینست که بنی صدر و برخی دیگر از جناح های در قدرت شدیداً ما بلند تا قبیل از شروع مجلس، نخست وزیر و کابینه را انتخاب کنند. بهمین دلیل هم بود که بنی صدر تا شیب ۳ نکته ای را از آیت اله خمینی دریافت کرده که نکته اول آن انتخاب نخست وزیر بود. بنی صدر میخواهد مجلس را در مقابل کارانجام شده قرار دهد. وی با انتخاب نخست وزیر و به تأیید رساندن وی توسط آیت اله خمینی عملاً میخواهد از فراز و فرای مجلس که در کنترل وی نمی باشد، دولت را در اختیار و کنترل داشته باشد. "مشکل آنجا پیش می آید که با ندان کامر حزب جمهوری اسلامی که اعلام "پیروزی" در "انتخابات" مجلس را کرده در مقابل این حرکت بنی صدر ایستادگی بخرد می دهد.

کس که انتخاب شود با دید مجلس او را تا شیب کند، مگر این که احساس کنیم که در حال حاضر انتخاب نخست وزیر خیلی ضروری باشد" (با مداد ۲۲ اردی بهشت) و در مقابل بلندگوی مطبوعاتی بنی صدر، روزنامه "انقلاب اسلام" پس از توضیح اشکالات متعددی که از نظرایشان در مملکت وجود دارد، در مقاله "انجام" نتیجه گیری میکند که "راه حل" عبارتست از انتخاب نخست وزیر که "نخست وزیر باید برنامهای که رئیس جمهور در جریان انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد و مردم با رای خود آن بوده و تأمادگی اجرای همان برنامه را داشته باشد" (انقلاب اسلامی، ۲۲ اردی بهشت). دعوا و "مشکلات" از جمله دعوا و مشکلات کلاسیک است: کدام باید با جناح نقش غالب را در هیأت حاکمه بازی خواهد کرد، کدام باید با دنیا جناح "تعدد مراکز قدرت" را به "تمرکز قدرت" ولی بنفخ خود حل خواهد کرد. دعوا بر سر انتخاب نخست وزیر و کابینه بخشی از این کشمکش برای غلبه بر قدرت است. جناب بنی صدر، نخست وزیر می خواهد که با برنامه وی "همراهی" همان برنامه را داشته باشد و در آینده نهاد انقلابی جمهوری اسلامی کسی را نخواهند که "مجلس او را تا شیب کند" یعنی از همفکران و همکاران خودشان باشد.

برطبق قانون اساسی مصوب همه پاندها و جناح های مختلف شریک در قدرت، نخست

وزیر و هیأتی برای اعتماد مجلس بر سر کار بیاید، بدینگر سخن یعنی از جناح غالب مجلس، یا نماینده اکثریت مجلس باشد که در شرایط کنونی یعنی از حزب جمهوری اسلامی باشد و یا مورد تأیید آنان قرار گیرد. و این شرایط مشخص و این مجلس مشخص با باب طبع و میل بنی صدر و شرکای فعلی اش نیست. اگر روال کار بدین سان جلورود، آنگاه نتایج "تعدد مراکز قدرت" حل نخواهد شد، بلکه بلبشوی بزرگتری نیز پدید خواهد آمد. پس چه باید کرد؟ بنی صدر جناح های پشتیبانش چون گروه "همنام" تصمیم گرفته اند تا قبل از مجلس هر طور شده، نخست وزیر را تعیین کنند و به "تنفیذ" (تأیید و موافقت) آیت اله خمینی برسانند تا به ضرب نفوذ ایشان، مجلس را مجبور کنند که به وی رای اعتماد بدهد. این است تا کتیک بنی صدر!

ولی حزب جمهوری اسلامی و با ندی بهشتی - رفسنجانی با این حیلها از میدان بدر نمی روند. اینان که خود از نهاد انقلابی ترین و انحصار طلب ترین نیروهای سیاسی جامعه میباشند، به سختی در مقابل این تا کتیک سختی مقاومت کرده و خواهان کنترل دولت هستند. اینان که خود را "پیرو خط امام" میدانند و با تیر درشت و سبزرنگ درجیده شان اعلام میکنند که "نمایندگان خط امام در مجلس اکثریت قاطع بدست آورده اند" آشکارا اعلام داشته اند که تنها اکثریت مجلس است که حق تعیین نخست وزیر را دارد. بهشتی در پاسخ به این سؤال که آیا فرا کمیون حزب جمهوری اسلامی به نخست وزیر منتخب بنی صدر رای اعتماد می دهد یا نه، زیرکانه اینگونه پاسخ میدهد: "طبق قانون این حق برای مجلس محفوظ است که بگی که شورای انقلاب و رئیس جمهور انتخاب کرده است رای تمایل به هدیا ندهد. تلاش ما هم برای این است که شورای انقلاب و رئیس جمهور به تفاهم برسند، البته

تفاهم و نه مصالحه" (با مداد ۲۲ اردی بهشت). بهشتی آشکارا میگوید "حق انتخاب نخست وزیر با ما است و قندهی چگونه "مخالفت" و کناره من با بنی صدر در این مورد نداریم".

در کشمکش که بین بنی صدر و اردی بهشتی رفسنجانی بر سر کنترل دولت جریان دارد، جناح های دیگر شریک در قدرت فعلاً در پشت بنی صدر ایستاده اند، نهفت آزادی با زوگان که در طول چند ماه گذشته بیشترین ضربه ها را خورد و اغلبا گریه های تیر عمده اش به روی آنها بود (اگر چه در تمام کثافتکاریها، سازشکاریها و ضد انقلابی گری های دولت موقت دار و دسته بهشتی نه تنها شریکند، بلکه از جمله مجرمان اصلی نیز میباشند) بسیاری تعظیم موقعیت خود در پشت بنی صدر جمع شده است: "چون در یک حالت فوق العاده بر میبریم انتخاب نخست وزیر و تشکیل کابینه ضروری بنظر میرسد. در پاسخ این سؤال که آقای دکتر بهشتی در پایان شورای انقلاب در شب گذشته نظر دادند که حق رای تمایل برای اعتماد برای مجلس محفوظ است، نظر شما چیست گفت: بر طبق قرائن مجلس که با اعضای شورای تصمیم کار درستی نبود که نظر بخصوصی هر فرد بدهد". (از مصاحبه با زوگان) انقلاب اسلامی ۲۲ اردی بهشت) بنی صدر که از یک سو بطور سرکوبگرانه در پی ایجاد "نظم و امنیت" گذاشتی، با بصیرت بهتر سرکوب نیروها و کمیونستی و مبارزات توده ای مردم است، از سوی دیگر در مبارزه و کشمکش با حزب جمهوری اسلامی بر سر غلبه بر قدرت است، میخواهد تا آنجا که قادر است نیروهای دیگر را نیز در زیر پرچم خود بیاورد کند. به این خاطر است که امروز سعی دارد تا از تضاد واقعی که بین سازمان مجاهدین خلق و حزب جمهوری اسلامی موجود (بقیه در صفحه ۴)

درو در سرسندج قهرمان

بقیه از صفحه اول

حضور و سلطه پاداران که منجر به اخراج پاداران از شهر گردید، به همت نیروهای آگاه انقلابی و مردم مبارز و پیشرو شهر در مناطق و محلات مختلف شهر، شکل جدیدی از سازماندهی توده‌های بوجسود

آمد. جوانان و مردم آگاه و مبارزان محلات شهر، یکی پس از دیگری دست به ایجاد "بنکه"ها (انجمن‌های محلی) زدند و هر محله‌ای بنکه‌ای ایجاد کرد که به عنوان کانونی سیاسی - منظمی - نظمی عمل می نمود. جوانان و مردم آگاه هر محله‌ای در بنکه‌های محلی جمع شده، تشکل و تدارک و آموزش می دیدند. بنکه‌ها کانون تشکل توده‌های مردم و نطفه‌های اصلی مقاومت توده‌ای بود. از طریق این بنکه‌ها جوانان و مردم آگاه محلات آموزش‌های سیاسی و نظامی دیده و آموزش‌های سیاسی را کنترل و نظارت می نمودند.

انقلاب کار توده‌ها است و مبارزانی که نتوانند توده‌ها را متشکل و فعال سازند، مطمئناً شکست خواهد خورد. کافی نیست که مردم صرفاً از مبارزین مسلح و گروه‌های انقلابی پشتیبانسی و حمایت کنند، آنها باید خود تکیه بر تشکل خاص خود دارند. مبارزان و توده‌های فعال و خلاق بسه عهده‌گیرند. به منظور دست‌یابی به چنین هدفی، وسیله‌ای مگسراً ایجاد انجمن‌ها و شوراهای محلی وجود ندارد و سرسندج این تجربه را به بهترین شکل آزمایش نمود. در زمانیکه ارتش و پاداران به سرسندج حمله کردند، مردم شهر تشکل و ابزار را داشتند که می توانستند با تکیه بر آن مقاومت و توده‌های خویش را برای این جنگ تحمیلی سازمان دهند. سرسندج کانون مبارزه بسوده و هست و ارتش نیز هدفش از میان برداشتن این کانون مبارزاتی بود. پس، سرسندج می بایست مقاومت میکرد. سرسندج یعنی همسه

کوشیدند تا فشاری همه جانبه و طاقت فرسا را بر مردم قهرمان و مقاومت سرسندج وارد آورند. آنها علاوه بر محلات زمینی و هوایی و علاوه بر محاصره اقتصادی - داروئی شهر، با استفاده از تفنگ‌های دوربین دار، مردم بیدفاع شهر را هدف قرار داده، هر چند که ای را که در تیررسشان قرار می گرفت، میکشند. در تاریخ کشور ما، هیچ مردم و هیچ شهری، چون مردم و شهر سرسندج چنین فشاری را ندیده اند و هیچ مردمی، چون مردم سرسندج این چنین مقاومت و حماسه‌ای را نیافریده اند. درود بر مقاومت و قهرمانی آنان باد.

مقاومت قهرمانانه مردم سرسندج و حماسه سرسندج، تنها در شجاعت و پایداری مردم پیشمرگه‌های قهرمان و نیروهای انقلابی مسلح ریشه ندارد، ریشه این مقاومت و رمز موفقیت آنرا باید در وحدت و یکپارچگی همه مردم شهر و سازمان یافتن مقاومت توده‌ای در برابر این جنگ تحمیلی جستجو کرد. سرسندج با خون شهیدانش به همه ملت‌ها درسی را داده است که از آن به دست نمی آید و از آن نیز از دست نمی رود. مردم سرسندج ایران، که اینک از جانشینان امپریالیسم آمریکا تهدید می شوند و با بدترین خطر تجسوز و نظمی آمریکا متحد و مسلح گردند، باید از سرسندج قهرمانان و مقاومت و درس مقاومت توده‌ای را در برابر بریک یورش نظامی ضد انقلابی بیاموزند.

همزمان با تحمیل تعیین کننده سرسندج بر علییه

مردم شهر، سرسندج یعنی همسه خیابانها، کوچه‌ها، سرسندج یعنی محلات و همه خانه‌ها، می بایست مقاومت میکردند و با رنج و سختی مقاومت می نمودند. سرسندج از آنست که دستجات قهرمان پیشمرگه‌ها بتوانند از پس آن بآیند. مقاومت در برابر این جنگ تحمیلی، کار توده‌هاست و مردم سرسندج از طریق بنکه‌های خویش بخوبی این حکم تاریخی را نشان دادند.

بدنبال یورش فداانقلابی و ارتجاعی ارتش و پاداران به سرسندج، مردم شهر بیرون نماندند. گسستن خویش را با پیشمرگه‌های قهرمان نشان، در عمل و در برابر این جنگ و یورش تحمیلی از طریق بنکه‌های خویش نشان دادند. در حالیکه پیشمرگه‌های قهرمان در صف مقدم جبهه و در سنگر با شجاعت زاید الوصفی می جنگستند، بنکه‌ها در محلات و خیابانها و کوچه‌های شهر حماسه می آفرینند. شهر در محاصره اقتصادی است. غذا کمیناسب، دارو کمیناسب و زخمی‌ها فراوان. شهر زیر آتش توپخانه و خمپاره و راکت است و هر روز به همتی، خانهای هدف قرار میگیرند و سفرو خانواده‌های خونین میشود. پیشمرگه‌ها در سنگرند و غذا و نوشنگ و پینا هگامه میخوانند و وقتی پیشمرگه‌ای بر خاک می افتد، دستی با پیدایش تفنگ او را از زمین برگیرند و سنگر را خالی نگذارند. وقتی شهری در محاصره و در زیر آتش مداوم توپخانه قرار دارد، دیگر جبهه جنگ مقاومت، جلو عقب ندارد، در چنین حالتی هیچ جا پشت جبهه نیست، زیرا هیچ خانهای از آتش خمپاره ارتش مصون نیست و هلی کوبترها نیز به هیچ کس رحم نمی کنند. شهر با پیدایش خمپاره اینجاست که بنکه‌ها و جوانان و مردم آگاه متشکل در آنها حماسه می آفرینند. آنها غذا می پزند و بر تقسیم غذا در میان مردم نظارت و سازماندهی میکنند، دستجات پزشکی و امدادی بنکه‌ها

ها زیر آتش رگبار مسلسل و خمپاره‌ها رومی رسانند و زخمی‌ها را به دکتر و محل‌های امن می رسانند، جوانان انقلابی و از جان گذشته به سنگر پیشمرگه‌ها غذا و دارو و مهمات می رسانند و دستهای زیادی همیشه آماده اند تا تفنگ پیشمرگه شهید را از خاک بردارند و سنگرها را همیشه پروا مساده نگهدارند. جوانان انقلابی بنکه‌ها در کوچه‌ها و خیابانها سنگر و باریکا دورا بنشانند و وجود می آورند و برای زنان و کودکان و پیر مردان و خانوادها در برابر آتش خمپاره‌ها سنگر و پینا هگامه می سازند. بنکه‌ها و محلات با پیدایش تمام گیرند و آتش بسیار آن خمپاره‌ها مانع رفت و آمد در خیابانها بنهاست، پس همت کس کرده در زیر خیابانها و کوچه‌ها و محلات تونل می زنند و دروازه‌های آتش خمپاره‌ها را می بندند. و به این ترتیب مردم یک شهر، حماسه می آفرینند.

در طول هفته‌های گذشته بسیاری از جوانان متشکل در بنکه‌ها در راه رساندن غذا و دارو و مهمات و حمل زخمی‌ها، هدف خمپاره و مسلسل هلیسی کوبترها قرار گرفته به شهادت رسیده اند. یاد و خاطره‌شان همیشه گرامی و جاودان باد و راه پرافتخارشان هیچگاه از پوینده‌های مباد.

و سرسندج بدین ترتیب مقاومت مزدهمی خویش را در برابر این تنها چمارتجاعی سازمان میدهد. پشتیبانی بی دریغ و همه جانبه از مردم قهرمانان کردستان و از مقاومت آنان در برابر این تنها چمارتجاعی و حمایت از خواسته‌های به حقی خلق دلاور کرد، وظیفه تک تک ما، و نشانه‌خالی کردن از زیر بار این مسئولیت سنگ است. صدای خود را بلند کنید و برای بقیه در صفحه ۴

کوب جنبش کمونیستی، جنبش انقلابی و مبارزات توده‌ای مردم، از سیاست واحدی پیروی نمی‌کنند. ممکن است جناب بنی صدر بخواهد "قانونی" اینکار را بکند و حزب جمهوری اسلامی با چماق -

### کشمکش و 'وحدت' در هیئت حاکمه

بقیه از صفحه ۲

است بفتح دعوی خود با حزب جمهوری اسلامی سوجدوید، بنی-صدر بهیچ رو قصد ندارد که به مضمون و محتوی مبارزه مجاهدین با حزب جمهوری اسلامی تکیه کند. با لکن وی قصد دارد تا تضاد مجاهدین و دارودسته بهشتی را بر تضاد خود با حزب جمهوری اسلامی منطبق کند. بنی صدر بر روی سیاست مجاهدین نیست و نخواهد رفت، وی می-خواهد مجاهدین را بر روی سیاست خود بکشد. خطود را اینجا است.

داران خویش، ولی "قانونی" سرکوب کردن بنی صدر (مانند همان کاری که امروز در کردستان میکنند و دیروز در دانشگاه همدان کردند...) از نظر محتوی و مضمون فرقی با شیوه‌های چماق-داران حزب جمهوری اسلامی ندارد.

در این میان آیت الله خمینی، نقش هماهنگ کننده این کشمکش‌های درونی نیروهای چماق را بازی میکند. آیت الله خمینی که بر روی سیاست "نظم و امنیت" به پیش می‌رود، برای "استقرار" هر چه سریع تر نهاد-های جمهوری اسلامی می‌کوشد، و به این خاطر با هرگونه حرکتی که مانع این "استقرار" بشود مخالفت میکند. آیت الله خمینی از یک سو با تأیید انتخابات سرانقلابی مجلس شورای ملی، از حرکت بنی صدر پشتیبانی نا-منش برای ابطال انتخابات جلوگیری میکند، و از سوی دیگر بر خواسته بنی صدر مبنی بر انتخاب نخست وزیر توسط وی صحه می‌گذارد. مشاوران خویش در "شورای عالی دفاع" (چمران و خامنه‌ای) را چنان انتخاب میکنند که از هر جناح و نیروی شریک در قدرتی نماینده‌ای موجود باشد. روسای روزنامه‌های تسخیر شده اطلاعات و کیهان را تعیین میکنند و بدین ترتیب تقریباً هر جناح حکومتی یک ارگان علنی را بحساب "مستخفان" بدست می‌آورد... این آن "توحیدنا" است که از طرف آیت الله خمینی اعمال می-شود و همان سیاست "نظم و امنیت" از دیدگاه ایشان در عمل میباید. این "توحیدنا" در شرایط

در هر حال، کشمکش که در هیات حاکمه بر سر کنترل دولت، که بخشی از مبارزه و دعوا بر سر قدرت است، حادث شده و با بسن سادگی‌ها و زودی‌ها، با توجه به اوضاع عمومی جاری در کشور، قابل حل نیست. محدوده این کشمکش وسیع شده و امروزه سطح علنی نیز رسیده است: "...بد-بختی اینجا است که گروهی که پیروزی خود را در مجلس عوام-فریبانه پیروزی خط امام می-دانند و نمیدانند که خط امام فراکسیون پذیر نیست... چرا که 'انحصار خط امام نیست' (از اطلاعیه دفتر همکارهای مردم با رئیس جمهوری - با مصاد ۲۴ اردیبهشت). انقلابیون ایران نمی‌بایستی سیاست و تاکتیک اصلی خود را بر مبنای این کشمکش‌ها بگذارند. انقلابیون ایران با دیدن آنند که با همه این دعواها و کشمکش‌ها، و با همه عوام‌فریبی‌های "دمکراسی-طلبانه" و "آزادیخواهان" - ای که برخی از سردساران حکومت چون بنی صدر بر او - اندازند، همگی اینان در سر-

### این زندانیان سیاسی را آزاد کنید...

بقیه از صفحه اول

ساختن این مبارزین بلندکنند و آزادی فوری آنها را طلب نمایند. آنکس که بایستد محاکمه شود، آنکس که دستش به خون دهها نفر دانشجو آغشته است، نه این مبارزین، بلکه جنتی و غرضی می‌باشند.

دانیالی، محاکمه و ۱۹ نفر از دانشجویان و معلمین آزادی-خواهانی را که در جریان مقاومت در برابر یورش ضد انقلابی به دانشگاه جندی شاپور اهواز دستگیر شده بودند را به زندان، انفصال از خدمت، اخراج از دانشگاه و ضربه شلاق محکوم کرده است که از آن جمله میتوان به مبارزینی چون رضا با احمدی دبیر دبیرستان (به اتهام "تحریک ضد انقلابی" به ۲ سال زندان و اخراج از آموزش و پرورش محکوم شد)، غلامحسین سیاح (به همین اتهام به ۲ سال زندان محکوم شد)، غلام زمان-پور دانشجو (به همین اتهام به ۱ سال زندان)، سیمین احصا-ئی دانشجو (به همین اتهام به یک سال زندان)، و سهیل-غلامحسین دانشجو (به همین اتهام به ۲ ماه زندان) و همچنین ژاله پوریان پور، منیر نظریان طاهر گلشن، فروغ لطفی و... اشاره کرد. ماضن محکوم ساختن اعمال این بیدادگاه، به احکام صادره شدیداً اعتراض داشته، خواستار لغو این احکام و دست-گیری و محاکمه علنی سردمداران این بیدادگاه ضد انقلابی هستیم و از همه مردم آزادیخواه اهواز و خوزستان و تمام ایران می‌خواهیم که صدای اعتراض خود را نسبت به این احکام و زندانی-گنونی چیزی نیست جز جمع کردن جناحهای ضد انقلابی و سازشکار بدور هم، "وحدت" نبخشیدن بآنها برای "استقرار نظام جمهوری اسلامی" و برقراری "نظم و امنیت" که با لطمه لایه تیز حمله‌اش بر روی نیروهای انقلاب بی و کمونیستی خواهد بود. این که تا چه حد این "وحدت" خواهی موجود به پیش رود، و تا چه حد این "وحدت" گذاشتن ادا می‌یابد، در شرایط بحرانی جامعه میباید به

قطع تمامی وابستگی‌ها به امپریالیسم خونخوار خواست طبقه کارگر ایران است

درود به سنج تهران

بقیه از صفحه ۳

حاشیه دادن به این تنها جسم ارتجاعی و این جنگ تحمیلی از هر طریق بگوشید و نگذارید پیش از این برادران و خواهران هموطن شما این چنین قربانی جنگ افروزان و سازشکاران و ضد انقلابیونی گردند که می-خواهند با امپریالیسم آمریکا سازش کرده، انقلاب را بنا بوی کشانند!

کردستان در انتظار شماست -

یت و پشتیبانی شماست.

نظری رسد.

## جاودان باد خاطره رفیق شهید

# مسعود دانیالی

دست دادیم، خود را در غم ایمن  
اندوه با خانواده او همه هم -  
رزمایش شریک میدانیم و شهادت  
مسعود را به خانواده و همزمانش  
تسلیمت میگوئیم .

ما به خانواده مسعود و به  
ویژه ما در زحماتش و رنج دیده  
او که کمربند از بار سنگین ایمن  
اندوه خمشده است ، تسلیمت می -  
گوئیم و اطمینان میدهیم که خون  
پاک او و دیگر شهیدان انقلاب ،  
بی تقاص نخواهد گذشت . مسعود  
با شهادتش راهی راه هموار کرد  
که دیگران خواهند پیرو و بالاد  
خوبه سرانجام خواهد رساندند ما  
مهم هستیم تا در کنار همه ما -  
رزین و انقلابیون ایران ،  
درفش خونبار مسعود را بدست  
گیریم و آنرا بر قله پیروزی  
بنشانیم . چنین روزی مطمئناً  
دور نخواهد بود .

بگذار چوپانان اطراف  
ایده برای مسعود بخوانند ، چه  
اونیز حما سه بود .  
برارونم خیلین ، هزاره زان ،  
برارونم خیلین ، هزاره زان ،  
سی تقاص خون مسو در میارن  
سی تقاص خون مسو در میارن  
جاودان باد خاطره رفیق شهید  
مسعود دانیالی

ستاست چلم . . . . .  
نخواهیم کرد و پرچم پرا متخاری  
که مطلقاً سلطانیها ، توماچها ،  
وریاها ، بهروزتیاها و شاپورها  
برافراشته اند همواره در اهتزاز  
بکف خواهد داشت .  
بی شک خون شهید مشعلی  
فرزان فراراه انقلاب و ستارشی  
تا بشناک بر تارک آسمان میا -  
رزاتی خلقها و زحمتکشان است  
امیراللیستهای خونخوار  
و مرتجعین تنگ نظر تا ریختن  
محکوم به شکست اند و بهمین دلیل  
کوراند و کور . آنها این حقیقت  
را نمیفهمند که خلق با دادن هر  
شهید تنهائی تزلزل در عزم  
راسخ مبارزاتی اش پدید نمی -  
آید ، بلکه وحدت و یگانگی خود  
را انجا مواستحکا م بیشتری می -  
بخشد ، و تازه آنجا است که نیروی  
بی گران و توفنده ، خود را که  
گوبنده مهیب ترین شکنجه  
گاهها ، ارتشها و ساواکیهاست  
باز خواهد شناخت .  
مرگ برا میریالیستها و  
مرتجعین  
تنگ و نفرت برجا شها و  
تضای خا شنیدین  
پیروزی رزم خونین خلق  
سلحشور کرد  
درا هتزاز با دپیرا هن خوب  
نشین شهید پرچم  
انقلاب !

به جرم "اخلال" در شهرستانها ،  
تهمت بی پایه دست داشتن در  
ترور فرماندار مسجد سلیمان و  
همچنین شرکت در جنگ گردستان و  
"تحریک" در ایذه محاکمه و به  
اعدام محکوم میکنند و به همسراه  
رفیق شهید احمد مؤذن در برابر  
جوخه اعدا م قرار میدهند و خون  
سرخ و پاکش را بر زمین میریزند ،  
او در بیدادگاه جنسی با عزمی  
راسخ از آرمانهای بحقش دفاع  
میکند و آخرین برگ از دفتر زندگی  
گی کوتاه اما پر بارش را با خون  
خود بتحریر در میآورد .

آنها میگویند که مسعود را کشتند ،  
میخواستند با یک تیر چند هدف را  
بزنند ، یکی اینکه رفیق مسعود  
را از میان بردارند و دیگری اینکه  
مبارزه چند ماهه دیپلمه های بی -  
کام را ایذه را درهم بشکنند . آنها  
میدانستند که مسعود نه تنها در  
ایذه ، بلکه در مسجد سلیمان از  
فعالین مبارزات بحق دیپلمه -  
ها و مردم زحمتکش بود و از همین رو  
هنگامی که به ساعت افتساد ،  
نقشه شوم قتل وی را کشیدند . اما

آنها به عبث گمان میکنند که با  
کشتن مسعود ، خواهد توانست  
مبارزه ای را که مسعود سا زمان  
میداد و خود از درون آن جوشیده  
بود ، درهم بشکنند . مسعود گل سؤخ  
ایذه بود و آنان که این گل سرخ  
را لگدمال کردند ، باید بدانند  
که تپه ها و کوههای سربلند و  
استوار ایذه و مسجد سلیمان ، در دل  
خود گل های سرخ بیشماری را  
پرورش داده و میدهند و بسیاری  
دیگر قدم به پیش خواهند گذاشت و  
راه پرافتخار رفیق شهید مسعود را  
ادامه خواهند داد . جوانان و مردم  
ایذه و روستاهای اطراف آن و  
دهقانان رنج دیده سوس ، اینک  
درسگ این رفیق عزیز ، عزرا  
دارند و سنگینی این اندوه کمر  
خانواده فقیر و زحمتکش مسعود را  
خم کرده است . ما که با شهادت  
مسعود رفیق عزیز و گرامی را از

"آزادی جنسی میخواهند و در  
نتیجه عده ای چاق بدست به محل  
تحصن حمله میکنند ، لاکن این حمله  
نیز با هوشیاری دیپلمه های  
متحصن درهم شکسته میشود . پس از  
آن بلادی به توطئه دیگری دست  
میزند و میگویند که خیال دارد به  
اهواز و پیش رئیس آموزش و پرور -  
ورش خوزستان (کیاوش) برود و  
نمایندگان دیپلمه های بیکار  
نیز با ایده ا هوازیروند ، مسعود به  
همراه دیگر نمایندگان به اهواز  
میروند ، بلادی قبلاً با کیاوش توی -  
طهر را می چینند و میگویند که این  
نماینده ها برای "آزادی جنسی" به  
اینجا آمده اند . فردای آنسروز  
نمایندگان دیپلمه های بیکار  
برای ادامه مذاکره به اداره کل  
آموزش و پرورش میروند ، و در آنجا  
کیاوش دستور دستگیری آنها را می  
دهد و پاسداران بر آنها هجوم می -  
آورند . رفیق شهید مسعود دانیالی  
موفق میشود فرار کند ، لاکن نما -  
ینده دیگر دستگیر و زندانی میشود .  
از این زمان ، مسعود که تحصن  
تعقیب بود ، در اهواز بصورت مخفی  
زندگی میکرد تا وقایع خونبار  
دانشگاه جنسی شاپور رخ میدهد ،  
مسعود که همیشه در مبارزه پیشقدم  
بود به جمع دانشجویان پیوسته  
دوشادوش آنان برابر آموزش  
چماق بدستان و توطئه حمله به  
دانشگاهها مبارزه میکند . رفیق  
مسعود در جریان این مبارزه  
دستگیر و شناسائی میشود ، جنسی و  
غرضی پس از شناسائی مسعود درمی  
یابند که در دست آنها یکی از پیش  
روترین مبارزین خوزستان اسیر  
است . بلادی فوراً به اهواز میسرود  
و از فرصتی که پیش آمده بود جهت  
از میان برداشتن این مبارز راه  
آزادی و استقلال ایران و منافع  
زحمتکشان بهترین استفاده را  
میربند ، توطئه قتل رفیق مسعود  
دانیالی طرح و تصویب میگردد و  
حکام اعدام و قبل از آنکه به  
بیدادگاه برود صا در میشود . او را

دورا ز خانواده و با رنج و زحمت  
فراوان به ایذه رفت و تحصیلات  
متوسطه اش را در ایذه گذرا -  
نید ، و پس از اتمام تحصیلات  
متوسطه به سربازی رفت و در این  
دوران آشنائی اش با مسائل  
سیاسی بیشتر و روح پرشکوهش  
در خدمت به انقلاب و زحمتکشان  
ایران برانگیخته شد ، با و پس از  
دوران سربازی به ایذه بازگشت  
و به سازماندهی و آگاهی رسانی  
پرداخت و به ویژه در مسلمان  
دیپلمه های بیکار فعال بود .  
پس از مدتی بیکاری و کلنجار  
رفتن با اداره فرهنگ ایذه ،  
مسعود از جانب دیپلمه های  
بیکار ایذه به نمایندگی بنسر -  
گزیده شد ، و در سازماندهی  
تحصن یکما ه دیپلمه های بیکار  
در اداره فرهنگ ایذه پیشرو بود .  
پس از مدتی رئیس فرهنگ ایذه  
(بلادی) رضایت میداد که نما -  
یندگان دیپلمه های بیکار به  
اهواز و پیش رئیس آموزش و  
پرورش استان بروند و مسعود  
نیز به همراه سایر نمایندگان به  
اهواز میروند و موفق میشود تا  
حکم استخدام ۲۰۰ نفر مطمئن  
پیمانی را از آموزش و پرورش  
استان بگیرد ، آنها این حکم را  
به بلادی میدهند ، لاکن او وقتی  
نمی گذارد و در نتیجه دیپلمه -  
های بیکار به تحصن و مبارزه  
خود ادامه میدهند . بلادی برای  
درهم شکستن این تحصن به شهر -  
بانی متوسل میشود و مسوران  
شهریانی نیز با شلیک هواشی  
میگوشند تا تحصن و مبارزه  
دیپلمه های بیکار را درهم  
بشکنند . لاکن دیپلمه ها مقاومت  
کرده و این یورش را عقیم می -  
گذارند . پس از آن بلادی بحلیله  
و نیرنگ متوسل شده ، به مردم  
ایذه میگوید که عده ای کمونیست  
در اداره فرهنگ تحصن کرده و

ارضی "شورای انقلاب" بطور مبهم و بدون اعلام جزئیات آن و همچنین شواهد هفته های اخیر بنظر ما حکایت بر آن دارد که کودتایی از جانب "شورای انقلاب" بر علیه

## هشدار: در مورد طرح ارضی جدید ...

بقیه از صفحه اول

امثالهم که طرح ارضی شان معروف به طرح ارضی رضنا اصفهانی شده است در اقلیت میباشند. در عین حال شواهدی که در هفته های اخیر بدست آمده نشان میدهد که در محتوی و مضوی طرح تصویب شده قبلی (اسفند ماه) دست برده شده و عقوبت نشینی ها طی بضرر جنبش دهقان و بی بهره فئودال ها و بیروزی مرتبط با آنان و حسان میان نشان در میان روحانیت و بویژه در مراجع تقلید صورت گرفته است. این عقب نشینی برای ما جای تمجیب نیست. چه در اسفند ما گذشته که طرح رضنا اصفهانی بعنوان لایحه اصلاحیه بر قانون ارضی "شورای انقلاب" (در شهریور ماه ۵۸ که معروف به طرح ایزدی است) تصویب شده، نوشتیم که هر چند که طرح رضنا اصفهانی موافقت مشروط ما را دارد ولی از آنجا شیکه بعنوان اصلاحی بر قانون ارضی قبلی "شورای انقلاب" تصویب رسیده این سازش مورد تاخیر نیست.

ما در همان زمان برخلاف حمایت راست روانه چریک های فدائیان از این سازش که به تبعیست و دنباله روی از رویزیونیستهای حزب توده انجام گرفت. پیش بینی کردیم که "این اصلاح ضد فئودالی در یک قانون فئودالی، طبعاً برای مدتی طولانی، و ما نخواهد داشت و سیر مبارزه طبقاتی در مقیاس ملی و در محله روستا های میهن ما، دیر یا زود این یکی را هم در فرم لایحه بندی آن و هم در عمل بنبط دیگری پس خواهد زد" (حقیقت - شماره ۶۴)

اعلام طرح اغیاز اصلاحات

حاکم شرع تمام میشود و این درست در زمانی است که طرح جدید ارضی تصویب شده است.

۳- چند روز بعد از تصویب طرح ارضی جدید، در هفته گذشته دادستان انقلاب مازندران در طی اطلاعیه ای هیئت های دهنفره رسیدگی به اختلافات ارضی و تقسیم زمین ما بین دهقانان (از جمله بویژه در گنبد) را منتهی الحکما اعلام نموده و سپس با طرح مشروع نمودن اراضی فئودالی از تقسیم آنان جلوگیری میکند. او در اعلامیه خود میگوید "ارضی مزروعی زیر کشت مشروع و باغات مشجر جزء مستثنی شده از قانون طرح تقسیم ارضی است و هیچ کس حق تعرض و ایجاب مزاحمت برای مالکین و متصرفین آنها را ندارد و در صورت مشاهده هر گونه تخلف ما ملین آن شدیداً مجازات خواهند شد"

(کیهان ۲۲ اردیبهشت ۵۹)

شرط و شروط گذاردن بر اراضی فئودال ها، بویژه فئودال های بزرگ تحت عنوان مشروع بودن و یا نبسودن، از همان نسخه های دوران ایزدی است که اینبار بعد از تصویب طرح جدید بگوش میرسد. شواهد فوق نمونه های کوچکی است که در عرض چند هفته گذشته حکایت بر تصویب طرح جدید ارضی از جانب "شورای انقلاب" میکند. طرحی که در حقیقت همان طرح ارتجاعی ایزدی است که در شهریور ماه گذشته مورد تصویب قرار گرفت، با این تفاوت که این بار رسماً رای انقلاب هنوز جرئت اعلام رای علیه جزئیات آن را نداشته و میخواهد اینطور وانمود کند که طرح جدید همان طرح اصفهانی است با مقداری تغییرات. ما در مورد این طرح، به طبقه کارگر و متحدان او در ارضی توده عظیم دهقانان و همچنین انقلابیون ایران هشدار می دهیم، و اگر استنباط ما و پیش بینی ما در مورد این "طرح مخفی ارضی" درست نیست، پس "شو" رای انقلاب آنرا هر چه زودتر

بماست جهلم . . . . .

رفیق شهید در روز چهارم اسفند ۵۸ هنگام عبور از گامیان توسط پاسداران و جاسوسان دستگیر شد. جمله ای را که عید با ره جانی مشهور هنگام دستگیری کاک شاپوریکا برد چنین است: "ما در آسمان دنبال تو می گشتیم تو را در کما میابیم". به خوبی نشان میدهد که جاسوسان مرتجعین مطی، روح سرکش و مبارزه جوی کاک شاپوریکا بیشتر از این میشناخته اند و از مدت ها قبل در فکر دستگیری و قتل او بودند. بهمین دلیل بود که به مدت ۱۸ روز در زندان دیزل با دگرما نشاء تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفت. سرانجام چند سربزیده، پشت سوخته شده و بدن شکنجه شده و تیرباران شده. اش در گردنه پلنگان در نزدیکی پاوه پیدا شد. کاک شاپوریکا در دستگیری تعدادی اعلامیه و خبرنامه نامه کومه له به همراه داشته است. کاک شاپوریکا جوانی گوشا و مبارزی متفکر بود و با وجود این که عمر بسیار کوتاهی داشت با تلاش و کوشش خستگی ناپذیر توانست به جبهه جنبشی و فلسفه علمی دست یابد و خود را به پویانده ترین ایده شو- لوزیک معا صر- ما ر کسیم- پسم، تنها ایده شولوزی طبقه کارگر مجهز سازد. علاوه بر پی گیری و صدائقش در انجام کارهای گروهی همیشه متفکر و کل جنبش و طبقه را مدنظر داشت و هیچگاه در منجلاب گروه غرق نشد و سکتا ریسم ضرورتی نداشت.

از لایبالی اشاری که از رفیق شهید بجا مانده است بخوبی می توان ژرفای اندیشه پویا و خالصانه اش را دریافت و روح سرکش و مبارزه جویش را با زشتی و به امید روزی که بتوانیم مجموعه ای از اشعار و مقالاتش را گردآوری و در حد گنجایش این دفتر چرا اقدام به چاپ برخی از سروده های می کنیم. با این عقیده و با ورگه کاک شاپوریکا که درین شعرش را با شهادت غروراً فریض سرود: شکی نمیتوان داشت که کاک شاپوریکا چگونه که با زندگی کوتاه خود نشان داد به هنگام شکنجه و شهادت نیز اندیشه ای جز راهی زحمتکشان و برقراری جامعه بدون طبقه و عاری از هرگونه ستم طبقاتی را در سر نداشت. با امید اینکه همواره در امر توده های پیگیر با شمیم و به هنگام آسارت و شکنجه چیزی جز زنده با خلق نگوشیم و همچون کاک شاپوریکا در پیشگاه خلق سرفراز بمانیم.

راهش پایا یادش جاوید باد

ما . . . . ضمن عرض تبریک و تسلیت به خانواده شهید و تمام می خلقی زنده کرده خون سرخ شهیدان ما سوگند می دهیم که تا آخرین نفر و آخرین نفس و آخرین گلوله سنگرمبارزه را ترک

بقیه در صفحه ۵

انتشار دهد تا نقطه ابهامی باقی نماند. ما در این باره باز هم خواهیم نوشت.



بیاد پیشمرگه قهرمان

نادر خدا مراد پور

من افتخار میکنم که فرزندم در راه مردم شهید شد. راه او راه انسانی است و همه شما باید راه او را ادامه دهید

پبی ناوی بوشه هیبدی  
وه تن شیوهن وگرین  
نا مرن شه وانه والهدلی  
میلله تا شه زین

پریروزیکی دیگر از فرزندان راستین خلق قهرمان پرورسندج، نادر خدا مراد پور، عضو تشکیلات، بر اثر صابت گلوله جانینان شربت شهادت نوشید.

نادر یکی از رفقای فعال تشکیلات بود که بخصوص بعد از آغاز درگیری ها دقیقه ای آرام نداشت و شبانه روز فعالیت می نمود. رفیق دارای صفات نمونه و انسانی و از خود گذشتگی بسیار بود. چندین روز پیش نادر در زیر رگبار گلوله دشمن یکی از رفقای زخمی را از تیررس دشمن در آورد.

او از خانواده زحمتکشی و مبارزی بود. مادر نادر بادیدن جنازه نادر با صدای بلند به مردم گفت "من بشما تبریک میگویم. من افتخار میکنم که فرزندم در راه مردم شهید شد."، "راه او راه انسانی است و همه شما باید راه او را ادامه دهید".

و شما پیشمرگه ها همه نادر من هستید".  
افتخار به چنین مادران دلیری که چنین فرزندانی را در دامن خود پرورانده اند.

ما خانواده فقیری هستیم و چیزی نداریم به مردم دهیم. پس خونمان را به مردم میدهیم

مبادا بگذارید این دشمنان شهر ما را تسخیر کنند، شما ها باید با بیل، داس، چکش، دشمنان را نابود کنید

پیرزن هشتاد ساله، این شیرزن سوزمین مان به پیشمرگه ها و مردم پند میداد که

زندگی نام این شهید عزیز همراه با سایر شهدای جنبش مقاومت خلق کرد در فرصتی دیگر منتشر خواهد شد.

بمناسبت چهلم شهادت رفیق تقوی

بقیه از صفحه آخر

خللی در عزم راسخ مبارزاتسی خلق قهرمان کرد و پیشمرگان جان برکف کردستان وارد آوردند.  
آنان با تلاشی نویدوار و مذبوحانه رفیق شهید را شکنجه کردند، سوزاندند، اطو کشیدند، سر بریدند، تیرباران کردند و سرانجام لباسهایش را تکه تکه نمودند تا بلکه چیزی بیایند. غافل از آنکه آنچه راه آنان میخواستند در قلب و اندیشه رفیق بود و سرانجام رفیق بسا مقامت و شهادت پرشکوه خود چیزی جز یاس و سرخوردگی بسه جانینان خود نداندا و حرفی جز

زنده با دخلق، نگفت.  
رفیق شهید کاک شا پور تقوی در سال ۱۳۳۷ در خانواده ای مرفه در سنندج متولد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه اش را در همان جا به پایان رساند.  
بواسطه ارتباط و کار در کارخانه آرد و کارگاه های سوزاژیک سازی سنندج با زندگی مشقت با روتوانفرسای کارگری آشنا شد. از همینجا بود که عشق بی حد و مرز به زحمتکشان و نصرت عمیق به استقامت رگران دروجو - دش نظفه بست، عشق و نصرتی که

که بعدها او را بمورت یکی از پیگیرترین مبارزان راه راه - ثی زحمتکشان بویژه طبقه کارگر گردآورد.  
در سال پنجم دبیرستان در ارتباط با یک محفل مدرسه را ترک گفت تا به دانشگاه بزرگ توده ها بپیوندد، در همین رابطه بود که جهت کار روزنسدگی کارگری به کارخانه بیلورسازی هاشمی تهران رفت اما بعد از مدتی بسطت دستگیری رابطه و با محفل مزبور توسط ساواک، ناچاراً به سنندج بازگشت.  
در پاشیز ۶۵، در ارتباط با همان محفل اقدام به مصادره انقلابی ماشین تایپ و تکثیر از یکی از دبیرستان های سنندج نمود که بعدها این مکانات در اختیار گروه ماسا -

رزین خلق هوادار رس - چ - ف خ - ا قرار گرفت.  
محفل مزبور در نوروز ۵۶ هنگامیکه شایع شده بود که شاه خاشن قصه هدیه مدال "آرامش" به استاندار کردستان دارد، اعلامیه ای، افشاگرانه به الحنی طنزآ میزد در سطحی وسیع پخش نمود که در بیداری ذهن مردم بویژه تحرک جوانان در این زمینه مشخص نقش ارزنده ای داشت.  
در اولین ساعات روز ۱۵ خرداد در رابطه با محفل اقدام به انفجار حزب رستاخیز نمود و بدنبال آن اعلامیه ای تحت عنوان "بنام نامی مردم" انتشار یافت که مضمون آن علت انفجار حزب رستاخیز (بقیه در صفحه ۷)



## گزارشی از مبارزه ضد...

کارگران شرکت فلور" بحث داغی بین کلیه سرپرستان و چند تن از کارگران مبارز و کلیه اعضاء " شورای... " درمیگیرد. پس از اعلام موضع قاطع مبنی بر عدم رضایت با حضور توکروجیره خوار امیر- یا لیسیم یعنی صفا ثیمان، سرپرستان با افشاکگری شورانگیز خود" شورای... " را به اتخاذ موضعی همگون دعوت می- نمایند. " شورای... " و آقای محسنی با جدیت با هرگونه اتخاذ تصمیمی بر علیه صفا ثیمان مخالفت میورزد و کما نیرا که در این موضع با فشاری کنند توطئه گر خوانده و اظهار میدارد که " سرپرستان با حقوق ۱۵۰۰۰ تومان نمیتوانند از خواسته کارگران دفاع نمایند. بنابراین منافع خود اینگونه وضع را به هر چه و مرج میکشاند. چند تن از سرپرستان ضمن افشای محافظه کاری " شورا... " و عدم همراهی آنها با خواسته کارگران از آنها میخواهند که در صورتیکه نتوانند پایایی کارگران در این مبارزه سپیم شوند به تدریج است کناره بر و نه جای خود را به افرادی انقلابی بدهند. " شورا... " اظهار میداشت که قدرت اجرایی در امر جلوگیری از ورود صفا ثیمان به کارگاه را ندارد و از انحلال " شورای کارگران شرکت فلور- تهران " و اخراج کارگران صنایع فولادها و زنجبوان دلیل مثال آورده و در مقابل حمله عنا صرا انقلابی کارگران به مواضع عقب مانده خود اعلام داشتند که با خواسته کارگران و سرپرستان دایر بر- تشکیل دادگاه خلق برای رسیدگی به پرونده و سرانجام محاکمه آقای صفا ثیمان با شرکت ۲ نفر نماینده کارگران ۲ نفر از سرپرستان و یک نفر از دادستانی موافقت میکنند. و میگویند: " بشر- طیکه مدارک گواهی جاسوسی صفا ثیمان را بنمایند، ایشان را اخراج و چنانچه ثابت نگردد و نگر سرپرست اخراج گردند!! " و نیز میگویند که طرح ایجاد دادگاه خلقی در میان کارگران و سرپرستان حکایت از عدم اعتماد آنها به مقامات مسئول مملکتی است که " شورای... " همیشه و طبق رسم عاشقان سربدیان آنها می نهد. یک شکست سیاسی " شورای... " و دولت آقای بنی ممدرویک امتیاز از درجهت اعمال قدرت توده ها در امور مسائل سر نوشت ساز.

عمر روز پنجشنبه در طی یک جلسه سخنرانی با شرکت کلیه کارکنان شرکت منجمله فلور ( کارگران از این پس خود را تحت نام " کارگران پروژه ای پالایشگاه نفت اصفهان " معرفی خواهند کرد) آقای محسنی یا لحنی مظلومانه ای چنین سخن گفت " ما به تهران رفتیم تا حقوق شما را از شرکت فلور را با آقای ابوترابی در میان نهمیم. ما موفق شدیم حقوق این ماه شما را بهر حال از دولت بگیریم و مزایای عقب مانده شما را هم همین هفته اجازت پذیرد. ما به تهران رفتیم. از اینجا با اطلاع دادند که میخواهند گروگانگیری کنند و آقای ابوترابی مخالف بودند. آقایان گروگان گیری بد است. اوضاع را وخیم میکنند و این یک توطئه است. آقایان ما مدرکی بر علیه صفا ثیمان نداریم و الا ما هم در خط کارگریم ولی اگر ما را قبول دارید یا یستی بحرف ما گوش کنید. ما هم سرمان شلوغ است و همیشه برای شما بهر نقطه ایران رفته ایم ولی اگر ما نمایند شما هستیم و ما را قبول دارید درست راست من قرا رگیرید."

کارگران ها چو واج مانده بودند که چه کنند. آنها فقط یک طرف سکه را دیده بودند و از دیگر سخنان سرپرستان مطلع نبودند. بهر حال در اثر عدم کار افشاکگری جدی کارگران پیشرو در رابطه با بسیج کارگران با افشاکگری و سخنان احساساتی محسنی و دست گذاشتن روی مسئله مالی عده ای در حدود ۵۰ نفر بهواداری ایشان با شعارهای " درود بر شورا " تجمع کردند. بالاخره ثوبت به یک سرپرست رسید ولی ایشان از موضع دفاعی سعی کرد از " شایعه انحلال شورا " دفاع نگردید ولی ضمن ترش مردن نظرات اکثر سرپرستان که با فرد مزدوری چون صفا ثیمان کار نخواهند کرد و تا آنها زده ای تغییر کرد. در خاسته یکی از نمایندگان " شورای... " بنام استکی اعلام کرد که " این شورای... " بنفع کارگران کار کرده و هر جا عنا مرضد کارگر را تشخیص دهد از پالایشگاه با اردنگی به بیرون اخراج میشود. مثال اخراج عنصرد که رگری بنام شورشی که از طرف استناداری معرفی شده بود ولی در جریان مبارزه صفا مهربا لیستی جا نسیب آمریکا را گرفت و سرانجام اخراج گردید. " جلسه سخنرانی بدین ترتیب بی پایان رسید. ضعف عمومی این مبارزه نداشتن تشکیلات انقلابی کارگری و عدم رسانیدن آگاهی بموقع به کارگران و نداشتن ارتباط خلاق بین کارگران پیشرو و دیگر کارگران بود.

## پیام کارگران....

راههای آشکار و پنهان ادا می- میداد. آنها کوشیدند که شاه مظلوم را برای توطئه چینی به آمریکا بیاورند؛ اما این کار از طریق عمل قهرمانانه مردم ایران که این مرکز جاسوسی، سفارت آمریکا را اشغال کردند خنثی شده و نقشه آنها را نقشش بر آب نمودند، از آن به بعد آمریکا همواره دست به تهدید مردم ایران زده و حتی اخیرا به ایران حمله نظامی نمود؛ اما درهمه مواقع انقلاب ایران ثابت نموده که از ما مهربا لیسم بزرگتر و قویتر است.

ما همچنین شاهدیم که شما بر موانعی که توسط عوامل ایرانی بوجود آمده و سعی داشتند انقلاب شما را در نیمه راه متوقف کنند، با آنرا با ابر قدرت دیگر برای تسلط ابر قدرت شما به ما دله کنند. ما شق آمده ایم. آن کوششها کسی که در عرض به جلوگیری از انقلاب برای ما بود کردن ما مهربا لیسم و شما مظهر حمله کینه، در جهت عکس حرکت میکردند، شکست خورده اند.

رفقا و دستان کارگر! ما امروز اعلام میکنیم که ما استواری بقیه در صفحه

با شجاعتان و ادامه مبارزه شما بر علیه ما مهربا لیسم ما و کوششها بیتان در پیشبرد انقلابتان هستیم.

انقلاب ایران که رژیم جنایتکار پهلوی، نوکرا مهربا لیسم آمریکا را سرنگون کرد، ما عقده قدرتمندی بود که تمام دنیا را لرزاند. امیر یا لیسم از پایه لرزیده و یکی از امتیازات چپا و لگرایش را از دست داد. و توده های مردم جهان از این طوفان قدرتمند انقلابی الهام انقلابی گرفت. این انقلاب به همه نشان داد که هیچ اندازه سلاح، شکنجه و کشتار قادر نیست انقلاب را متوقف بیا سرکوب کند. این انقلاب به همه نشان داد که آنچه در قدرتمند بنظر میرسد در واقع ضعیف و فاسد است و اینکه عاقبت این توده ها هستند که پیروزند. این درسها نیست که ما به مردم ایران مدیونیم و هرگز فراموش نمیکنیم.

ما مهربا لیسم ما درسا لپیش به کوششها پیش، که از طبیعتش سرچشمه گرفته و تا وقتی که نتواند نشود تغییر نمیکنند، برای خلال در انقلاب ایران و بدست آوردن پایگاه خود در آنجا، از

گزارشی از مبارزه ضد.....

بمناسبت فوت رئیس گاردپا لایشگاه مراسم سوگوار بود در چنیسن جوی برگزار گردد. از شاهکارهای دیگر " شورای کارگران شرکت فلور" موافقت این " شورا... " با سخنرانی حجت الاسلام حسینی کاندیدای مجلس شورای اسلامی " بود. اوضاع درهم و برهمی بود. از یک طرف دل کارگران بواسطه سلطه امپریالیستها بر کشور خون بود و از طرفی " شورا... " سعی میکرد این دل‌های خونین از امپریالیستها را با گرفتن دو نظره اشک آرمش به بخشد و از آن طرف جناب آقای حجت الاسلام با سخنرانی خود سعی در گرفتن آراء کارگران در جیب‌های گشاد خود را در سری پروراند. مثلاً دیگر هم مسلکان خود را حمله به کمونیستها و نیروهای انقلابی سخن آغاز کرد و پس از هشتاد و نوب و تشریح کارگران با امپریالیستها " سر شاخ " میگردد و چون سخن بد را زاکشید یک شخص صالحی بهایشان گوش زد کرد ندانید که بهتر است ما تهنه سخنرانی خود را با اختتام زندگی رئیس گارد بیونددهی! در این لحظه و فقط در این لحظه بود که " شورای کارگران شرکت فلور" بهوش میآید و اعلام میدارد که " ما با تعیین هیئت مدیره از طرف شرکت فلور مخالفیم و آنرا محکوم میکنیم ولی در مقابل کسانیکه بخوانند آلتا نیها را برای توریه حساب با کارگران گروگان بگیرند مخالفیم و در صورت ادا کردن اینگونه نظرات از خود سلب مسئولیت میکنیم" و جلسه بدین گونه خاتمه مییابد ولی بحثها و حرفهای زیادی ناگفته میماند.

روز سه شنبه با پخش اعلامیه سری جناب نیسپورگ که اسامی هیئت مدیره و کارکنان ۸۰ نفره را در بر میگرفت مخالفت کارگران بسا آن جدی تر میشد و این مخالفت جدی را سرپرستان هر کارگاه بسا " شورای... " در میان میگذاشتند و خواستار خراج کلیه افراد لیست مخفی ۸۰ نفره میشدند و اصولاً هرگونه سخنی را به آقای صفا... ثیان مردود دانسته و در تلاش برای کسب رضایت " شورای... " جهت جلوگیری از ورود این شخص بداخل پالایشگاه بودند ولی برخسورد محافظه کارانسه و غیر انقلابی " شورای... " در این مورد فقط در حد تماس گرفتن با بقیه اعضاء " شورای... " که در آن زمان در تهران بودند منجر گردید. مغزکل " شورای... " آقای محسنی مراتب را با اطلاع ابوترابی ( معاون وزیر نفت ) میرسانند و پس از کسب تکلیف از ایشان در تماس تلفنی میگویند " آقای ابوترابی گفته اند که مخالفت با ورود آقای صفا ثیان به پالایشگاه هیچ توطئه است که در خدمت اهداف امپریالیسم است زیرا که شرکت فلور در آن صورت دلیلی موجه جهت خروج خود از ایران خواهند داشت و چون این شرکت هنوز قرارداد تکمیل ساختن پالایشگاه را به پایان نرسانده لذا بهیچ روشی توان از این شرکت جریمه طلب کرد و حتی ادعای عدم تا مین جانی و ادعای خسارت مالی خواهد کرد. " در ادامه روز سه شنبه اعلام همبستگی عده ای از افرادیکه نام آنها در لیست " هیئت مدیره " آقای نیسپورگ بود، کتبا به " شورای... " رسید.

روز چهارشنبه یک روز انفجاری در پالایشگاهها صفا ثیان بود. کارگران انقلابی شرکت فلور موفق بدریافت یک گزارش دست

نویس که به انگلیسی نوشته شده بود میخوانند. از همان برخورد اول چون مسئول تلکس قرار بود این گزارش را به آمریکا مخابره نماید از طرف عناصر انقلابی کارگران بازداشت میشوند و قرار میگذارند که بدون اجازه " شورای... " هیچگونه تلکسی از این پس از ایران به خارج ارسال نگردد. یکی از مهندسان ایرانی دست به ترجمه این گزارش دست نویس شده میزند و به تعداد زیادی در بیسن کارگران شرکت فلور توزیع میگردد. بمحض اطلاع کارگران از این سند خیانت موج خشم عظیمی همه کارگران را در بر گرفت و کلیه کارگران و سرپرستان آنرا محکوم نموده و پس از روشن شدن مطلب عامل تهیه کننده این گزارش یعنی صفا ثیان را نوکرا امپریالیسم آمریکا خوانده و با مراجعه خود به " شورای... " خواستار تخلفات است انقلابی عدم ورود این نوکرو جیره خوارا امپریالیستها به پالایشگاه میگرددند. " شورای... " در مقابل سیل عظیم خواننده بحق خدا میرب یا لیستی کارگران عقب نشینی کرده و آنرا لفظاً محکوم خواننده و فوراً سراغ تلفن میروند تا با محسنی که هنوز در تهران مشغول مذاکره با آقایان مسئولین مملکتی در امور فاهی بودند، تماس بگیرند. آقای محسنی پس از مشورت با مسئولین " انقلابی " مملکت دستور میدهد که " هیچکس مزاحم آقای صفا ثیان نگردد چون ایشان از طرف شرکت فلور منصوب گشته اند و همانطوریکه در چند ماه گذشته حقوق ما را دولت می پرداخته لذا برای گرفتن مزایای کارگران و تا مین منبع مالی برای آنها مذاکره میکنیم و نه چیز دیگر! در اینجا خشم کارگران بالا میگیرد و کلیه سرپرستان اخطار میکنند که " از ورود یک نوکرو جیره خوارا امپریالیسم آمریکا بهر طریق که شده جلوگیری میکنند و بخود اجازه نمی دهند از طریق این خائن حقوق دریافت کنند لذا خود را اخراج خواهند کرد. " در این روز " شورای... " اوضاع را با اطلاع مقامات اداره کار و استاننداری میرسانند. آقای دادخواه با تندی به نماینده " اعضا می " شورا... " به اداره کار زهر خورده میکنند و اظهار میدارند " آقای مطالب شما غلط است. از طرف آقای صفا ثیان به من اطلاع داده شده که این کار میبوتراصلی اهمیت بوده و فقط در حضور و غیاب بکار میروند! " آقای دادخواه رئیس اداره کار رسماً به داران یا پنگ است و یا لقب مهندس را بدزدی یدک میکشد که اینگونه دروغ میگویند. اینک هر آدم مطلق میباید اندکاً مبیوتراها در دنیا خرید و فروش نمی شوند بلکه گرایه داده میشوند حکایت از قیمت سرمایه و آن است که مشتری خریدار مناسبت در دنیا ندارد، دو ما اهمیت آن برای دولت آمریکا آنقدر کم " بوده که تعداد شته بهر قیمتی که شده آنرا از ایسران به کویت فراری دهد! آقای بجنوردی ریاست استاننداری اصفا ثیان امر میفرماید که " اوضاع را بیخود شلوغ کردید و بهتر است از آقای صفا ثیان عذر خواهی نمائید! " حال قرار است " شورای... " از طریق این آقایان مسئول و " انقلابی " با امپریالیستها دست و پنجه نرم کنند!

روز پنجشنبه ۵۹/۲/۱۸ کارگران خود اقدام به تهیه تابلسون میکنند و با استفاده از آنها محیط پالایشگاه را با شمارهای " مرگ بر صفا ثیان - نوکرا امپریالیسم آمریکا " و " مرگ بر امپریالیسم آمریکا - مرگ بر صفا ثیان جیره خوار آمریکا " تزیین میکنند. در اکثر کارگاهها جلسات بحث و سخنرانی برپا بوده و شمارهای " مرگ بر صفا ثیان - مرگ بر آمریکا " در همه جا شنیده میشود. با اواخر بسا فشار زیاد کارگران و سرپرستان، اعضاء " شورای... " درخواست میکنند که تا روز سه شنبه حضور بقیه نمایندگان " شورای... " مبرر نمایند و دست بکاری نزنند.

روز شنبه ۵۹/۲/۲۰ در محل " شورای... " بقیه در صفحه ۹

کارمند.

ب : اثاثیه وسایل و موتورپول : با سرپرستی عبدالله قنبر - علی و ۱۰ نفر کارمند.

ج : قسمت برق : با سرپرستی محمدعلی حیدری

د : لوله کشی : با سرپرستی نادر لیموچی و ۳ نفر کارمند.

ر : قسمت ایمنی: با سرپرستی عبدالمجید کیا نپور.

ز : قسمت امور اداری : با سرپرستی سروش پزشکی و ۱۲ نفر کارمند.

ژ : قسمت امور مالی : با سرپرستی سروش پزشکی و ۱۲ نفر کارمند.

س : قسمت کارگزینی : با سرپرستی احمد قیصریان و ۱ نفر کارمند.

ش : قسمت گارد : با سرپرستی حسین عمیدی با ۳۲ نفر گارد.

توضیح : کلیه افراد لیست بالا در زمان انقلاب برخلاف ۱۱۰۰۰ کارگر شرکت فلور مشغول بکار بوده و حقوق دریافت میکردند.

کارگران مبارز با توجه به شناختی که از افرادی نظیر جلال صفائی و سایر بقاء خدمات ننگین آنها برای مزدوران امپریا -

لیست داشتند این توطئه را محکوم کرده و ضمن همراه کردن شورای کارگری با خواسته های خود این برنا مه و هرگونه برنا مه دیگری را مردود دانسته و آثرایی اعتبار میدادند. آنها بدرستی اعلام کردند

که هرگونه تعیین مدیریت بایستی بدست خود کارگران و از طریق شوری کارگری خود انجام گیرد و هرکس که بخواد لنگه ننگ خدمت به

اهداف امپریا لیستها برپیشانیش نخورد: اولاً، بایستی اعلام همبستگی خود را کتبا به شورای کارگری اعلام بدارد؛ دوماً، بایستی

با جدا کردن خود از این برنا مه محکومیت آنرا اعلام بدارد و سوماً، یا ملحق شدن به بقیه کارگران در روشن شدن سرنوشت آینده کار -

گران سیم باشند ( کارگران شرکت فلور ۱۴۰۰ نفرند و در مسوره مقابل با بیکاری از هم اکنون خواستار رسمی شدن در شرکت نفت

هستند.)

در تمامی روزیخت های خلاقی بین کارگران در جریان بود و بطور کلی نظریه عمومی کارگران ضمن مردود دانستن این برنا مه

امپریالیستی خواستار جلوگیری از خروج آلما نیها بودند و لسی این خواسته کارگران با مخالفت جدی، " شورای کارگران شرکت

فلور" مواجه گردید. " شورای کارگران شرکت فلور" اگر سردر تحت مبارزه عمومی کارگران با معا دره و توقیف و یا عدم خروج و یا

بیل شرکت فلور رضایت داده بود ولی با این خواسته بحق و فدا میر - یالیستی کارگران با سرخشی مخالفت مینمود. اگر کارگران

ساختمانی را بی ریزی کرده بودند که خشت های آنرا اموال شرکت دزدوا امپریا لیست فلور تشکیل میداد و مصالح این ساختمان خوا -

سته های اعیل فدا امپریالیستی کارگران میبود اکنون با توقیف و عدم خروج کارگران از ایران خشتی نوین بر روی دیگر خشتها

قرار میگرفت ولی هرکس بدرستی تشخیص خواهد داد که این سا - ختمان احتیاج به سروش دارد و در این اوضاع و احوال که ریاست

شرکت فلور قصد فرار از ایران را دارد بایستی کلیه حقوق از بسن رفته کارگران باز ستانده میشوند و وقت ایشان را به بدرکی که ما -

بیل بودند با اردنگی کارگران قهرمان بدرقه میکردند. ساختمان مبارزه فدا امپریالیستی کارگران زمانی بخود سروش میدید که

با رسیدگی به حساب و کتابها و دزدیهای امپریالیستی و سپس اخراج آنها بصورت محل امنی در میآید.

عصر روز دوشنبه قبل از تمام کار بقیه در صفحه ۱۰

گزارشی از مبارزه ضد.....

دزد آمریکا ثیها یعنی آلما آنها عهده دار مدیریت این شرکت در ایران بوده اند.)

در این تلکس دستور داده شده بود که کامپیوتر مستقر در پالایشگاه نفت اصفهان بصورت زیرین جدا کرده و بسته بندی نمایند:

۱ - ۴ عدد صفحه را جدا کرده و با احتیاط بسته بندی کنید.

۲ - ۲ عدد نوآرادیویی را جداگانه بسته بندی نمایید.

۳ - ۲ عدد جعبه حافظه کامپیوتر را هم چنین بسته بندی نمایید. و پس از قرارداد آنها در یک جعبه از طریق شرکت " دی جی تال

" در تهران به آدرس زیر به کویت ارسال گردد: شماره ۳۲۲ آقای عبدالکریم سارا

" شورای کارگران شرکت فلور اصفهان " متفقاً تصمیم می - گیرند از خروج این کامپیوتر به رهنوی شده جلوگیری کرده و آنرا

با نظام میلیونیها دلار و سایر این شرکت که شامل صدها نمونه چرم - شقیل سبک و سنگین، ماشینهای تراش و خلاصه کلیه وسایلی که در

پالایشگاه اصفهان مدت ۷ ماه پیش معا دره شده و آنها را بیت المال ملت ایران دانسته اند، نگهداری نمایند و برای اطلاع مقامات

مسئول استان اصفهان از جمله رئیس اداره کار و امور اجتماعی و استانداری اصفهان مراتب را ابلاغ میکنند. نکته جالب اینجاست

ست که آقای داخواه رئیس اداره کار استان اصفهان با این عمل " زیرکانه کارگران" ( بقول خودشان) موافقت میکنند و آقای

بجنوردی استان اصفهان با انتشار این خبر در روزنامه که همان مورخه ۵۹/۲/۱۵ زیرگانه سعی کرده خود را مهران این ماجرا مبذول

بر جلوگیری از اخراج کامپیوتر از ایران بکند. لازم بذکر است که طبق عادت همیشگی " شورای کارگران شرکت فلور اصفهان"

این مسئله را نیز از طریق یک اجتماع و سخنرانی و افشاکری به میسر کارگران برده میشود. بلکه از طریق خود کارگران دهان به دهان

نقل گردیده است. بخش این خبر در میان کارگران هیجان خاصی برآه انداخت. همه جا بحث بود و افشاکری و این روحیه عمومی هر

لحظه بالا میگرفت. کارگران در فکر چاره و عکس العمل متناسب با آن بودند و در این میان عنا صرا که کارگران فعالیت چشمگیری

از خودشان نشان میدادند. یک شنبه بدین صورت جای خود را به دوشنبه سرنوشت ساز می -

داد زیرا در این روز بود که با زهم عنا صرا انقلابی کارگری به مسدود مهمی دست یافتند که در ادامه و تکامل توطئه خروج کامپیوتر از

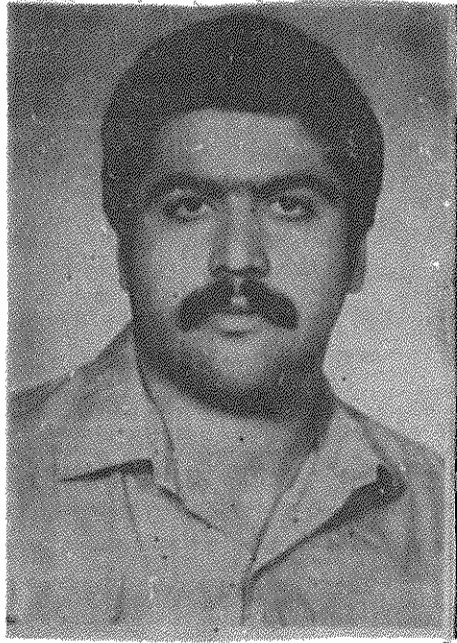
ایران بود. آقای نیمپورک بر طبق دستور ابلاغ گردیده به ایشان و در اوضاع وجود امپریالیستی موجود در ایران اقدام به خروج از

ایران میکنند ولی قبل از ترک ایران با گذاشتن افراد مورد نظر خود طی سفارشات رسیده از مرکزیت این شرکت در آمریکا افسراد

زیربمناوان " مدیریت شرکت فلور در ایران " تعیین میگردد: در اسان این " هیئت مدیره" ایرانی آقایان:

۱ - جلال صفائی  
۲ - محمد رضا ایوبی  
الف: قسمت اساراها: با سرپرستی محمد رضا ایوبی و ۱۰ نفر

# بمناسبت چهلم شهادت رفیق شاپور تقریبی



در حدود چهل روز پیش شهر قهرمان پرور سنندج این دژ مستحکم ادا ماه انقلاب ضدا مپری با ایستی ودموکراتیک خلقهای میهن درسوگ یکی دیگر از فرزندان مبارز و دلیر خود نشست ، جنایتی که اینها رجا - شهای خود فروش و پاس - داران ضدا انقلابی مر - تکب شده بودند بحدی ددمنشا نه و هولناک بود که خشم و نفرت عمیق انقلابی مردم کردستان و بویژه سنندج را بر - انگیخت .

با ندهای سیاه

و عوامل جنگ افروز درون هیئت حاکمه بدنبال تزورنا جوان مردانه فرزندان مبارز خلق ترکمن ، فدائیان شهید - توماج ، مختوم ، جرجانی و واحدی اینها رنیز با همان شیوه و بلکه وحشیانه تر ، انقلابی راستین کاک شاپور تقریبی فرزند مبارز خلق کرد را به شهادت رساندند تا بلکه به خیال خام خود بقیه در صفحه ۸

## گزارشی از مبارزه ضد امپریالیستی کارگران شرکت فلور اصفهان

با شکست برنامه " شورای انقلاب " مبنی بر تحویل گرفتن گروگانهای مستقر در لانه جاسوسی آمریکا ، امپریالیسم هارودرنده خوی آمریکا در پی تهدیدات مکرر خود با لایحه به تحریم اقتصادی ایران دست میزند و درین راه از همراهان دزدان امپریالیست خود در اروپا - کانادا و ژاپن و استرالیا کمک میگیرد ولی با عکس - العمل شدید توده های انقلابی مردم ایران روبرو میگردد . تجاوز نظامی بیشرمانه امپریالیست آمریکا به حریم مقدس خاک ایران و شکست مفتضحانه برای دزدیدن جاسوسان آمریکائی و بدنبال خود حرکات مشکوک و توطئه چینی و تخریب و بمب گذاری در نقاط مختلف ایران به همراه داشت ولی این ضدیت با انقلاب در ایران در ابعاد مختلف خود در هر کجای ایران جریان داشته و خواهد داشت .

روزیک شنبه ۵۹/۲/۱۴ " شورای کارگران شرکت فلور اصفهان " موفق به کشف تلکسی که از آمریکا به کاناردنیسیسورک ریاست شرکت فلور مخا بره گردیده ، قبل از آنکه ایشان موفق به دریافت آن گردند ، میشوند . ( شرکت فلوریک شرکت امپریالیستی آمریکا بی - آلمانسی است . دوستان امپریالیست آلمانها یعنی یانکیها در آبان ماه گذشته بمحض تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بدست دانشجو - یان مسلمان پیرو خط امام " از ایران فرار کردند و از آن پس دوستان بقیه در صفحه ۱۱

## جاودان باد خاطر رفیق شهید مسعود دانیالی

در تاریخ ۵۹/۲/۱۲ بسی - دادگاه جنئی ، دوتن از مبارزان بن انقلابی ، احمد موه و ذن و مسعود دانیالی را بجرم " اخلال " و " ضدیت با جمهوری اسلامی " به اعدام محکوم و حکم این بیباد - گاه بسرعت اجرا گردید و احمدمسعود در برابر جرم خود تیرقرا رگر - فتند و با سرود زندگی و آزادی بر لب ، با شجاعت و پویا مردی ، در خون سرخ خویش در غلطیدنند . رفیق شهید احمدموه ذن مسئول دانشجویی " سازمان پیکسار در

راه آزادی طبقه کارگر " در اهواز بود رفیق شهید مسعود دانیالی ، یکتا انقلابی - جسته و نما بینده دیپلمه های بیگانه شهرستان ایذه . مسعود در یک خانواده روستائی و فقیر در یکی از دهات حومه ایذه بنا مسوسن متولد شد و از بدو تولد مزه تلخ فقر و فلاکت را چشید . او تحصیلات ابتدائی اش را در سوسن طی کرد و برای تحصیلات متوسطه روستای خود را ترک کرد . بقیه در صفحه ۵

## پیام کارگران انقلابی آمریکا بمناسبت اول ماه مه

درود به طبقه کارگر ، انقلاب - بیون و توده های وسیع مردم ایران در روز جهانی کارگر ، اول ماه مه . ما کارگرانی از جنبش کارگری اول ماه مه هستیم ، ما کارگرانی از قلب امپریالیست وحشی هستیم ، و امروز در اول ماه مه ، مفتخر و مصمم به اتحاد و همبستگی با انقلاب پر شکوه ایران ، بقیه در صفحه ۹

بهر طریق  
ممکن یاری  
خلق دلاور  
گروستان  
بشتابید